خبر

معضل سگ های ولگرد گنبدکاووس به مرز هشدار رسیده است

معاون سیاسی اجتماعی فرمانداری ویژه شهرستان گنبدکاووس با تصریح بر این نکته که معضل سگ های ولگر در این شهرستان به مرحله هشدار رسیده است، خاطرنشان کرد: این معضل به تهدیدی علیه سلامت عمومی جامعه تبدیل شده است. به گزارش ایرنا، فرهاد شیبک در نشست هماهنگی پیشگیری از بروز بیماری هاری افزود: بر اساس دستور العمل های موجود، زنده گیری، عقیم سازی و نگهداری سگ های ولگرد باید اجرا شود ولی فقدان زیرساخت های لازم در شهرستان برای انجام این اقدامات، باعث بروز مشکل شده است. وی با تصریح بر این نکته که حیوان آزاری در آموزه های دینی نکوهش شده، گفت: در عین حال برنامه ها و دستورالعمل ها باید به گونه ای باشند که قابلیت اجرا هم داشته باشند و برآوردهای کارشناسی انجام شده حاکی از قابل اجرا نبودن دستورالعمل زنده گیری و نگهداری سگ های موجود در شرایط فعلی است. رئیس مرکز بهداشت گنبدکاووس هم با ارائه آماری از میزان گزش انسان توسط سگ های ولگرد گفت: بر اساس آمارهای موجود امسال حدود یک هزار گزش سگ در مناطق روستایی و ۲۵۰ گزش در داخل شهر گزارش شده که حاکی از افزایش تعداد گزش افراد از سوی سگ های ولگرد است. دکتر فرهاد بدیعی بیماری هاری را یکی از بیماری های مشترک بین انسان و دام ذکر کرد و گفت: پیشگیری یکی از مهمترین راهبردهایی است که در مورد این نوع بیماری ها باید به کار بسته شود. وی با اشاره به برنامه اتلاف سگ های ولگرد در گذشته گفت: با متوقف شدن این برنامه از حدود یک سال پیش تاکنون، تعداد سگ های ولگرد بسیار زیاد شده و طبق آمارهای موجود به حدود چهار هزار قلاده رسیده که رقم بسیار بالایی است و به عنوان تهدیدی برای سلامت عمومی جامعه محسوب می شود. رئیس دامپزشکی شهرستان گنبدکاووس نیز با تشریح انتقال بیماری هاری از حیوانات وحشی به سگ و سپس دام های اهلی گفت: در شهرستان گنبدکاووس انتقال هاری بیشتر از شغال به سگ ها و از آن طریق به دام های اهلی انجام می شود. دکتر نادر گوگلانی نیز با تصریح بر ازدیاد بیش از حد سگ های ولگردبویژه در مناطق روستایی شهرستان گفت: در برخی از روستاهای شهرستان سگ های ولگرد به صورت گله ای در مراتع و حاشیه روستاها مشاهده می شوند که در شش ماهه اول امسال ۱۲ مورد مثبت بیماری هاری در دام های اهلی مشاهده شده است وی با اشاره به اقدامات دامپزشکی گنبدکاووس برای مقابله با بیماری هاری گفت: در شش ماه اول امسال به چهار هزار و ۹۹۴ قلاده سگ واکسن تزریق شد.

«»

مدیرکل میراث فرهنگی گلستان:

دو آبشار در گالیکش، ثبت ملی می شوند

مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گلستان از آماده شدن زیرساخت های لازم برای ثبت آبشارهای لوه و پیرغار فارسیان شهرستان گالیکش در فهرست آثار طبیعی ملی خبر داد. ابراهیم کریمی اظهار داشت:شهرستان گالیکش از نظر ثبت تعداد آثار تاریخی و گردشگری و رخداد تاریخی، رتبه دوم استان گلستان را بعد از گرگان دارد. وی بااشاره به استعدادهای گردشگری گالیکش درمسیر ورودی استان گلستان از سمت استان خراسان شمالی، گفت: مدیران این شهرستان بالاخص دهیاران و شوراهای روستایی بایستی زیرساخت های لازم را برای ثبت آثار تاریخی، مذهبی و گردشگری درفهرست آثار ملی فراهم نمایند. کریمی همچنین از راه اندازی بازارچه صنایع دستی گالیکش با همکاری فرمانداری این شهرستان درآینده ای نزدیک خبر داد و اضافه کرد: با راه اندازی این بازارچه، صنایع دستی اقوام در معرض دید و فروش گردشگران گذاشته می شود

دعوت به همکاری

شرکت «آداک تجارت آسیا» جهت تکمیل کادر ارسال خود در استان گلستان از تعدادی راننده با خودروی وانت پراید با حقوق و مزایای ویژه دعوت به همکاری می نماید.

(داخلی ۸۰۱) ۰۲۱-۴۴۶۱۴۰۱۰
۰۹۰۱۷۷۸۱۶۱۹

پلنگ یک چوپان را در گالیکش زخمی کرد

منابع خبری محلی از حمله پلنگ به یک چوپان ساکن روستای پاسنگ بالا از توابع بخش لوه شهرستان گالیکش در شرق استان گلستان در عصر روز جمعه خبر دادند. رئیس اداره حفاظت محیط زیست شهرستان های مینودشت و گالیکش در گفت و گو با خبرنگار ایرنا، مورد حمله قرار گرفتن چوپان از سوی یک حیوان وحشی را تایید کرد و گفت: طبق اطلاعات اولیه، یک حیوان وحشی که گفته می شود پلنگ بوده، ابتدا به سگ گله حمله می کند. محمددردی آق آتابای افزود: حمله پلنگ به سگ گله منجر به زخمی شدن این حیوان می شود و چوپان گله که قصد نجات سگش را داشته، خود نیز مورد حمله پلنگ قرار می گیرد. وی افزود: چوپان از ناحیه دست، پا و سر زخمی شده و با انتقال به بیمارستان مینودشت مورد درمان سرپایی قرار گرفته و از بیمارستان مرخص شده است.رئیس اداره محیط زیست شهرستان های مینودشت و گالیکش خاطرنشان کرد: کارشناسان محیط زیست برای بررسی دقیق موضوع به منطقه اعزام و نسبت به تهیه گزارش تکمیلی اقدام می کنند. به نوشته برخی از سایت های خبری محلی، حمله پلنگ به چوپان جوان که از او به نام موسی الرضا سایری ۲۳ ساله و ساکن روستای پاسنگ بالا نام برده اند، در منطقه جنگلی بلنجر و حین چرای گوسفندان رخ داده است.

انتقاداصول گرایان گلستان از تغییرات کابینه

مدیر حوزه امام صادق(ع) شهرستان گرگان با اشاره به اختلاس ۸ هزار میلیاردی صندوق ذخیره فرهنگیان و استعفای وزیر آموزش و پرورش برای حفظ آبروی دولت گفت: تعویض نمادین سه وزیر برای فراموش شدن مطالبات مردم است.

به گزارش فارس حجت‌الاسلام سید محسن طاهری اظهار کرد: استعفای سه وزیر دولت یازدهم که جزو وزرای ناموفق کابینه بودند و عملکرد نامناسبی داشتند بیشتر شبیه یک چینش انتخاباتی است. وی کارنامه فرهنگی دولت را ضعیف خواند و تصریح کرد: آقای جنتی در کابینه دولت یازدهم مکررا مورد اعتراض مراجع تقلید، علما و حتی مقام معظم رهبری قرار گرفتند و ایشان در مسائل فرهنگی نتوانستند به وظایفی که قانون بر عهده آنها گذاشته به درستی عمل کنند و همواره رهبر معظم انقلاب، علما و قشر متدین جامعه نگران وضعیت فرهنگی کشور بودند.

مدیر حوزه امام صادق (ع) شهرستان گرگان افزود: استعفای وزیر آموزش و پرورش نیز برای جلوگیری از طرح اختلاس ۸ هزار میلیاردی صندوق ذخیره فرهنگیان بود و با این کار خواستند که آبروی دولت حفظ شود.

طاهری با تاکید بر اینکه مشکل اصلی دولت در حل مسائل اقتصادی است، افزود: مطالبه اصلی مردم در حوزه اقتصاد و معیشت است و اساس رأی آوردن آقای روحانی هم بر مبنای شعارهای اقتصادی بود کما اینکه ایشان گفتند در مدت ۱۰۰ روز گشایش اقتصادی ایجاد می‌کنند.

وی وعده های دولت در بحبوحه انتخابات ریاست جمهوری یازدهم را عجیب و غریب خواند و گفت: یکی از وعده‌های آقای روحانی، کمک به مردم تا حد عدم نیاز به یارانه بود و با این حرف‌ها امید در دل اقشار مختلف ایجاد کردند اما متاسفانه بر خلاف آن مطالبی که ایشان در شعار انتخاباتی مطرح کرده بودند مشکل اصلی اقتصادی ما مدیریت ناصحیح است. مدیر حوزه امام صادق (ع) شهرستان گرگان با بیان اینکه ۲۰ الی ۳۰ درصد از تحریم‌ها در مسائل اقتصادی تاثیرگذار بوده است، گفت: آقای روحانی بعد از اینکه رئیس‌جمهور شدند همه مسائل اقتصادی را به مسئله تحریم و نهایتا به مذاکرات هسته‌ای گره زدند و بعد از دو الی سه سال، کشور درگیر مسائل مذاکرات و برجام شد.

طاهری بیان کرد: توافقی که نوشته شد با همه نواقصی که داشت، نتوانسته خواسته ملت را برآورده کند، ما به وعده‌های خودمان در برجام زودتر از موعد مقرر عمل کردیم ولی طرف مقابل بعد از گذشت چندین ماه هنوز به تعهدات خودش عمل نکرده و تازه دبه‌های جدید درآورده و خواستار این است که ما عقب‌نشینی بیشتری در منافع ملی خودمان داشته باشیم. وی با اشاره به اینکه دولت از ابتدا برنامه اقتصادی نداشته است، گفت: این دولت گرچه شعار می‌داد که ما باید مدیریت اقتصاد را درست کنیم اما در عمل همه چیز را به مذاکرات گره زدند، وزرایی که در کابینه تعیین شدند و عمدتا وزرای اقتصادی از کارایی لازم برخوردار نبودند که این باعث شد روز به روز رکود اقتصادی، تعطیلی کارخانجات، کارگاه‌های تولیدی و بیکاری هر چه بیشتر جوانان در کشور رقم بخورد.

مدیر حوزه امام صادق (ع) شهرستان گرگان با اشاره به تغییر سه وزیر در کابینه دولت اظهار کرد: طبیعتا تا چند ماه آینده که مسئله انتخابات در پیش است دولت برنامه جدیدی برای مسائل اقتصادی نخواهد داشت لذا دولت با این تدبیر خواست که با استعفای نمادین سه وزیر به نوعی ذهن مردم را منحرف کند تا مطالبات اصلی جامعه فراموش شود تا شاید بتوانند به نوعی دوقطبی کاذب را دوباره در کشور ایجاد کنند. طاهری اضافه کرد: دولت تلاش میکند خلائی که بعد از کنار رفتن دکتر احمدی‌نژاد احساس می‌شود را با استعفای سه وزیر پُر کرده و جریانات سیاسی را درگیر عزل و نصب این وزرا کنند تا به این شکل یک دو قطبی جدیدی را رقم بزنند که یقینا ناموفق خواهند بود.

وی مدعی شد دولت وعده داده بود که با اجرای برجام معجزه رخ خواهد داد و حالا این شعارها جلوی چشم مردم است و مردم این وعده ها را فراموش نخواهند کرد.

مدیر حوزه امام صادق (ع) شهرستان گرگان با اشاره به اینکه دولت در برجام و مشکلات اقتصادی نمره منفی نزد مردم دارد، گفت: دولت اگر در این چند ماه باقی مانده نتواند قدمی در راستای حل مشکلات اقتصادی بردارد که ظاهرا برنامه مشخصی هم در بخشی اقتصادی دیده نمی‌شود در انتخابات آینده با یک چالش جدی مواجه خواهد شد.

دبیر حزب موتلفه اسلامی گلستان نیز استعفای سه وزیر در واپسین روزهای عمر دولت را تاکتیک انتخاباتی خواند و گفت:استعفای وزرا برای به حاشیه راندن مشکلات اساسی جامعه و کسب رضایت اصلاح طلبان در انتخابات برای حمایت از آقای روحانی است. سیدحسن سیدی با اشاره به ناتوانی دولت در حل مشکلات اقتصادی اظهار کرد: مردم به شدت به وضعیت اقتصادی معترض هستند البته آنانی که حقوق‌های نجومی دریافت می‌کردند و وضعیت وام‌های آنها هم معلوم نیست دغدغه اقتصادی ندارند. وی تصریح کرد: مشکلاتی که هر روز در گفت‌وگوهای مردم خود را نشان می‌دهد ناتوانی دولت در حل مشکلات اقتصادی است. وی با اشاره به اینکه اکنون فصل کشت گندم و کلزا است خاطرنشان کرد: قیمت محصولات اساسی هنوز مبهم است و برخی از کشاورزان نیز به علت دیر پرداخت شدن بهای محصولات‌شان پولی برای تامین هزینه‌های کشت ندارند. سیدی افزود: کسانی که حقوق‌های چند میلیونی می گیرند درکی از مشکلات مردم مستضعف ندارند و در عوض برگزاری کنسرت به مشکل اساسی آنها تبدیل شده و اگر کنسرتی لغو شود فریاد آنها بلند می‌شود و البته این مسئله برای فراموش شدن مشکلات اقتصادی است.

دبیر حزب موتلفه اسلامی گلستان گفت: ترمیم کابینه دولت با استعفای سه وزیر مطالبات اساسی مردم را مرتفع نمی‌کند، اگر کابینه می‌خواست ترمیم شود باید از وزرای اقتصادی شروع می‌شد تا تیم اقتصادی دولت هماهنگ به دنبال حل مشکلات اساسی باشد. سیدی افزود: به نظر می‌رسد ریزش محبوبیت آقای روحانی در اصلاح طلبان زنگ خطر را برای ایشان به صدا درآورده است چراکه برخی اصلاح‌طلبان معتقد به اصلاح کابینه بودند که برای حل این مشکل این تغییرات صورت می‌گیرد. وی با اشاره به اینکه تدبیر دولت با گذشت بیش از هزار روز در حل مشکلات اساسی مردم مشهود نیست، اظهار کرد: با کلید این دولت چه مشکل اساسی مردم حل شد که در باقی مانده عمر دولت حل شود؟!.

سیدی؛ استعفای سه وزیر کابینه در واپسین روزهای عمر دولت را یک تاکتیک انتخاباتی خواند و گفت: استعفای وزرا برای این است که می‌خواهند ذهن جامعه به این تغییرات معطوف شود این به معنای حاشیه بردن مشکلات اساسی جامعه و کسب رضایت اصلاح طلبان در انتخابات برای حمایت از آقای روحانی است، چه بسا که در این سه حوزه با مطرح شدن برخی از دیدگاه‌های فرهنگی رضایت اصلاح‌طلبان به اوج برسد و توسعه سیاسی مقدم بر همه چیز شود. وی با تاکید بر ناکارآمدی دولت در اقتصاد تصریح کرد: دولت با امید بستن به برجام فرصت‌سوزی تاریخی کرد، اگر دولت از زمانی که اقتصاد مقاومتی مطرح شد به آن عمل می‌کرد اکنون می‌توانستیم نتایج آن را مشاهده کنیم ولی افسوس که این کار انجام نشد اگر دولت تلاش خود را مصروف این کار کند راهی نیکو انتخاب کرده که در آینده نتایج آن دیده می‌شود.

دبیر حزب موتلفه اسلامی گلستان یکی از مشکلات اساسی جناح‌های سیاسی برای خدمت به کشور را فقدان تشکل و ضعف سازماندهی آنها دانست و گفت: آقای روحانی به علت نداشتن حزب از ابتدا با مشکل شناخت نیروها روبرو بود این موضوع که آقای نعمت‌زاده مطرح می‌کند « که مدیر از خارج بیاوریم» یک دلیلش عدم شناخت نیروها است. سیدی با بیان اینکه امام راحل هم در پاسخ به بازرگان فرموده بودند«قطع الرجال نداریم، جهل الرجال داریم» گفت: این مشکل الان نیز وجود دارد، اکنون دولت بر نیروهایی تکیه کرده است که باید در سمت مشاورت باشند نه اجرا؛ لذا تمام توان دولت با این ترکیب؛ همین است که مشاهده می‌کنید. وی به وضعیت ناکارآمدی برخی مدیران در استان گلستان نیز اشاره کرد و گفت: در نصب مسئولان سطح استان شاهدیم که برخی مدیران شرایط لازم در اداره امور ندارند که یک دلیل اساسی آن در عدم سازماندهی و عدم شناخت نیروها است لذا بسیاری از وعده‌های دولت اجرایی نشده و شایسته‌سالاری جای خود را به عوامل سیاسی و قومی داده است.

مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان:

برگزاری نمایشگاه کتاب با دست خالی

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان با یادآوری تنگناهای مالی و نداشتن ردیف اعتباری اختصاصی به منظور برپایی نمایشگاه کتاب در استان گفت : در شرایطی که برگزاری نمایشگاه کتاب گلستان دست کم نیاز به ۲ میلیارد ریال اعتبار دارد برگزاری آن در این شرایط ، خودکشی اداری محسوب می شود. حجت الاسلام علی اصغر فضیلت اظهار داشت: مشکلات مالی همچنین باعث شده است امسال بن رایگان کتاب نداشته باشیم. وی اضافه کرد: اگرچه این شرایط کار را برای برگزاری این رویداد فرهنگی مشکل و سخت تر از گذشته کرده است اما معتقدیم در حوزه فرهنگ و کتاب هر کاری انجام دهیم، جای دوری نمی رود.

فضیلت با بیان اینکه دهمین نمایشگاه سراسری کتاب گلستان از چهارم تا نهم آبان ماه جاری در محل دائمی نمایشگاه های بین المللی استان دایر خواهد شد گفت: تفاوت نمایشگاه امسال با سنوات گذشته ۲ نوبته بودن آن است و بر همین اساس علاقمندان می توانند صبح ها از ساعت ۹ تا ۱۲ و عصرها از ساعت ۱۵٫۳۰ تا ۲۱ از نمایشگاه دیدن کرده و خرید داشته باشند. وی با اشاره به اعلام آمادگی ۶۱۰ ناشر برای حضور اظهار داشت: نمایشگاه امسال کتاب گلستان به مساحت چهار هزار متر مربع به دلیل محدودیت فضا فقط می تواند میزبان بیش از ۵۰۰ ناشر در ۲۶۰ غرفه باشد. وی یادآور شد: ۱۴ ناشر داخلی گلستان به همراه ۲ ناشر کتب اهل سنت استان در نمایشگاه حضور دارند و از میان ناشران غیربومی ۶ ناشر تخصصی کتب و منابع اهل سنت نیز حضور خواهند داشت. مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی گلستان ادامه داد: مقرر شده دستگاه های کارت خوان ویژه فروش بن نمایشگاه در تعدادی از کتابفروشی های استان فعال شوند و این کارت ها تا یک هفته بعد از برپایی نمایشگاه نیز دارای اعتبار خواهند بود. فضیلت تصریح کرد: همچنین برای نخستین بار پیش فروش اینترنتی بن ۲۰ درصدی تخفیف خرید از طریق سامانه bon.tibf.ir تا یکم آبان فعال است. وی گفت: ۵۵ هزار عنوان کتاب با تخفیف ۱۰ تا ۳۰ درصدی در نمایشگاه کتاب گلستان عرضه می شود.

رئیس سازمان جهاد کشاورزی گلستان:

کشاورزان برای کشت کلزا در مناطق آبی اقدام کنند

رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان گلستان گفت: نسبت به ارائه توصیه فنی برای انجام آبیاری و کشت به روش هیرم کاری کلزا در مناطق آبی استان اقدام شود. مختار مهاجر در خصوص پایش و پیش‌آگاهی محصولات زراعی و باغی استان گلستان توصیه‌هایی را به مدیران جهاد کشاورزی شهرستان‌ها ارائه داد. وی گفت: با توجه به پیش‌بینی‌های اداره کل هواشناسی استان در خصوص عدم بارندگی تا اواسط آبان ماه و احتمال تداوم آن به ویژه در مناطق مرکزی و شرقی استان، با به کارگیری تمام امکانات اطلاع رسانی وآموزشی نسبت به ارائه توصیه فنی برای انجام آبیاری و کشت به روش هیرم کاری کلزا در مناطق آبی استان اقدام شود.

رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان گلستان اظهار داشت: با توجه به اهمیت کنترل علف‌های هرز در مزارع کلزا توصیه فنی مطابق دستورالعمل ابلاغی مدیریت حفظ نباتات سازمان در خصوص مصرف علفکش‌های خاک مصرف ترفلان (قبل از کشت) و بوتیزان استار (به صورت بعد از کشت و قبل از سبز شدن کلزا) در تمام اراضی تحت کشت کلزا به عمل آید.

مهاجر ادامه داد: ضدعفونی بذور کلزا با سموم حشره‌کش گائوچو و یا کروزر به کشاورزان کلزاکار مطابق دستورالعمل فنی مدیریت حفظ نباتات توصیه می شود. رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان گلستان گفت: تهیه اطلاعیه‌های ترویجی، ارسال پیامک‌های ترویجی، مصاحبه‌های رادیوئی و تلویزیونی توسط بخش‌های تخصصی ستاد و شهرستان پیگیری و اجرا خواهد شد.

مهاجر خاطرنشان کرد: توصیه و مصرف کودهای پایه ترجیحا بر اساس انجام آزمون خاک باید صورت پذیرد. وی ادامه داد: در این خصوص مصرف کود پتاس، فسفر و ۳۰ درصد از کل نیاز کود ازته قبل از کاشت در محصولات گندم، جو و کلزا توصیه می‌شود. رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان گلستان گفت: در مناطق کشت آبی فاقد بقایای گیاهی می‌توان از مصرف کود پایه ازته صرفه نظر کرده و همزمان با نخستین آبیاری و یا تامین رطوبت از طریق بارندگی در مراحل اولیه رشد اقدام شود. مهاجر افزود: رعایت اصول تغذیه، تاریخ کاشت، تراکم بوته، کنترل و مبارزه با علف‌های هرز و کالیبراسیون ادوات کشت وفق دستورالعمل‌های فنی ارسالی سازمان انجام گیرد.

کارشناس مسئول تأمین آب مدیریت آب و خاک جهاد کشاورزی گلستان نیز با بیان اینکه در گذشته ۳۴۲ رشته قنات در استان وجود داشت گفت: در حال حاضر تنها ۱۵۲ رشته قنات در استان فعال هستند و بقیه به دلایل مختلف از چرخه خارج شده‌اند. حجت‌الله کردی با بیان اینکه قنات‌ها سازه‌های زیرزمینی هستند اظهار کرد: اکثر قنات‌های استان به دلیل عوامل طبیعی هم‌چون سیل، زلزله، عوامل انسانی مانند کشت و کار، عدم حفاظت و بهره‌برداری از قنات‌ها از چرخه خارج و یا تخریب شده است. وی عمق قنات‌های استان را به دلیل کم آب بودن مخزن در استان بین ۲۵ تا ۳۰ متر عنوان کرد و گفت: طول قنات‌ها بین یک تا یک و نیم متر است. وی با اشاره به مزیت قنات‌ها گفت: قنات ها از یک سو جزو میراث فرهنگی کشور محسوب می‌شوند و از طرفی نسبت به چاه‌ها که از اعماق زمین آب را برداشت می‌کنند آب‌های سطحی را به عنوان زهکش جمع‌آوری می‌کنند.

وی ادامه داد: در قناتها بدون استفاده از هر گونه انرژی، آب استخراج می‌شود که این امر در کاهش هزینه و انرژی بسیار تأثیرگذار است. کارشناس مدیریت آب و خاک جهاد کشاورزی در خصوص احیای قنات‌ها گفت: احیای قنات‌ها در برنامه‌های پنجم و ششم توسعه در نظر گرفته شده است از این رو در طرح احیا و مرمت قنوات استان در سال ۱۳۹۴ یک میلیارد و ۹۵۰ میلیون تومان مصوب شد که از این مقدار، ۷۳۲ میلیون تومان برای احیای قنات‌ها، اعتبار تخصیص گرفت.

وی، لایروبی، کول‌گذاری، بغل‌بری، نوکنی را جزو اهم اقدامات انجام شده در راستای احیای قنات‌های استان عنوان کرد. وی افزود: در سال ۱۳۹۵ نیز ۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان برای احیای قنات‌ها مصوب شد که تاکنون تخصیص اعتباری در این زمینه صورت نگرفته است. وی تخصیص اعتبار برای احیای قنات‌ها را محدود دانست و گفت: در سال‌های گذشته به دلیل محدود بودن منابع در کشور برای احیای قنات‌ها دچار مشکل بودیم.

کارشناس جهاد کشاورزی استان گلستان همچنین با بیان اینکه مهار و ذخیره‌سازی آب‌های سطحی توسط سدها و آب‌بندها انجام می‌شود، تصریح کرد: در سال، ½ میلیارد متر مکعب آب سطحی در استان وجود دارد که در پنج حوزه آبخیز تعریف شده است اگر بخش تبخیر را در نظر بگیریم امکان ذخیره و نگهداری یک میلیارد متر مکعب آب در استان وجود دارد. کردی ادامه داد: تاکنون ۷۰۰ میلیون متر مکعب آب توسط سدهای بزرگ استان و آب‌بندها مهار شده است. وی افزود: در سنوات گذشته ۵۰۰ هکتار آب‌بندان در استان احداث شده و در سال‌های اخیر در احداث آب‌بند، بند انحرافی، ایجاد ایستگاه پمپاژ و شبکه‌های آبیاری زهکشی نیز اقداماتی انجام شده است. وی خاطرنشان کرد: ۷۰۰ میلیون مترمکعب آب مهار شده به تأمین آب در بخش کشاورزی به خصوص در زمان کم بارشی، کمک می‌کند. وی یادآوری کرد: تاکنون در سطح ۷۱ هکتار احداث آب‌بند در استان داشتیم و مصوبه سال ۱۳۹۵ برای ایجاد آب‌بندان و تأمین آب ۹ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان است.

خبر

پلمپ ۵۸۴ واحد صنفی استان در نیمه اول سالجاری

باسمه تعالی
این مکان به دلیل تخلف صنفی توسط دایره نظارت بر اماکن عمومی پلمپ گردیده است. بدیهی است در صورت فک پلمپ و وارد آوردن هرگونه خدشه و آسیب به پلمپ، با متصدی واحد صنفی برابر قانون مجازات اسلامی برخورد خواهد شد. (از دو تا شش ماه حبس)
پلمپ
دایره نظارت بر اماکن عمومی
پلمپ

رئیس پلیس امنیت عمومی فرماندهی انتظامی گلستان گفت: با بازرسی‌های انجام‌شده در ۶ ماهه نخست امسال ۵۸۴ واحد صنفی پلمب شدند. سرهنگ بهرام عزیزی اظهار داشت: ۵۸۴ واحد صنفی در سطح استان گلستان به دلیل عدم رعایت شئونات اسلامی و نداشتن پروانه کسب پلمب شدند. وی افزود: در ۶ ماهه نخست امسال ۲۵ هزار و ۷۲۹ واحد صنفی در قالب طرح کنترل و نظارت بر واحدهای صنفی به‌وسیله پلیس اماکن بازدید شد. رئیس پلیس امنیت عمومی فرماندهی انتظامی گلستان تصریح کرد: از این تعداد بازدید با سه هزار و ۴۲۸ واحد صنفی به دلیل تخلف، برخورد انجام شد. عزیزی گفت: از دو هزار و ۳۵ واحد هم به دلیل تخلفات مختلف تعهد گرفته شد. به گفته وی، سه هزار و ۱۰۸ واحد صنفی دیگر هم اخطار پلمب دریافت کردند.

«»

۴۳۸ هکتار از اراضی ملی به منابع طبیعی گلستان بازگشت

رئیس‌کل دادگستری گلستان گفت:۴۳۸ هکتار از اراضی ملی در نیمه‌ی نخست امسال با احکام قضایی، خلع ید و به منابع طبیعی بازگشت. هادی هاشمیان اظهار کرد: ۴۱۷ هکتار از این اراضی، مرتعی و ۲۱ هکتار هم جنگلی است. وی افزود: به‌عنوان رئیس شورای حفظ بیت‌المال استان، دستگاه‌های اجرایی گلستان را مستمر رصد می‌کنیم و از آنان خواسته‌ایم با نظارت بیشتر در حوزه‌ی کاری‌شان، تخلف و دست‌اندازی‌ها به اراضی ملی و منابع طبیعی را بلافاصله به دستگاه قضایی اعلام کنند. رئیس‌کل دادگستری گلستان تصریح کرد: دادستان‌ها را موظف کرده‌ایم در بعضی از جرائم مانند دست‌اندازی به اراضی ملی و منابع طبیعی، منتظر شکایات نمانند و خود وارد عمل شوند. هاشمیان گفت: در پی اقدامات قاطع دستگاه قضایی در مبارزه با زمین‌خواری و ساخت‌وسازهای غیرمجاز، مردم استان نیز به این مقوله حساس شده‌اند به‌گونه‌ای که بسیاری از خلع یدها نتیجه گزارش‌های مردمی است. به گفته وی، استان گلستان دارای ۴۵۲ هزار هکتار اراضی جنگلی و ۸۶۲ هزار هکتار مرتع است.

«»

حفاران عتیقه در گرگان دستگیر شدند

فرمانده انتظامی گرگان گفت: حفاران غیرمجاز اشیاء عتیقه در گرگان دستگیر شدند. سرهنگ رضا عسگری اظهار داشت: حفاران غیرمجاز اشیاء عتیقه در گرگان دستگیر و اشیاء کشف‌شده به میراث فرهنگی تحویل شد. وی افزود: بر اساس گزارش‌های رسیده فردی ناشناس در یکی از واحدهای مسکونی خیابان شهدا بود که کلانتری ۱۳ گرگان به‌صورت ویژه وارد این موضوع شد. فرمانده انتظامی گرگان تصریح کرد: در تحقیقات محسوس و نامحسوس از منزل مسکونی مشخص، تعدادی از افراد مشغول کندن زمین هستند که با هماهنگی با مراجع قضایی وارد منزل شدیم. عسگری گفت: در این خصوص چهار نفر که در حال حفاری اشیاء عتیقه بودند دستگیر شدند. به گفته وی، همزمان چهار قطعه اشیای عتیقه سفالی شکسته به همراه ادوات جرم مانند بیل، کلنگ و چرخ چاه‌کنی کشف شد که اشیاء عتیقه به میراث فرهنگی تحویل شد.

مفقودی

سند کمپانی و کارت سبز یک دستگاه سواری تویوتا کرونا مدل ۱۹۷۹ به شماره پلاک ایران ۵۹ـ ۹۱۴ ج ۲۵ و شماره موتور ۳T ۳۷۱۵۶۳۸ و شماره شاسی TT ۱۳۲۰۰۸۵۷۵ متعلق به عبداله چراغعلی فرزند رحیم مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

مصاحبه با محمد مهدی پور مترجم آثار شیرکوبی

شیرکو؛تاریخ اعتراض

اشاره – در راستای سلسله نشست های خانه شعر و ادبیات گرگان و در نشست ماهانه آن در مرداد ماه، بزرگداشتی برای شیرکوه بی کس شاعر آزادی خواه و پرآوازه کرد که از قضا در میان فارسی زبانان کمتر شناخته شده است، برگزار گردید. در این جلسه، محمد مهدی پور از منتقدین ادبی و مترجم آثار شیرکوه از کردی به فارسی، به ایراد سخنرانی در باب وجوهی از اشعار و افکار وی پرداخت. سرویس ادبیات گلشن مهر نیز به همین مناسبت، گفتگویی را با محمد مهدی پور انجام داده است.

*** گلشن مهر: جناب مهدی پور به گرگان خوش آمدید**

مهدی پور: سپاسگزارم. خیلی خوشحالم که در گرگان و در جمع اهل ادب و هنر هستم و خوشحال کننده تر از این جهت که به بهانه شعر شیرکو بیکس به این دیار آمده و تلاش نمودم تا شمایی کلی از شعر شیرکو، جهان شیرکو و هستی شناسی که وی در آن غوطه ور بود، ارائه نمایم

*** گلشن مهر: با آنکه شیرکو بیکس شخصیتی مهم و حایز اهمیت در فرهنگ و ادبیات کردی به طور اخص و ایران بزرگ فرهنگی به طور اعم بوده است، اما متاسفانه شناخت اندکی از وی در میان فارسی زبانان وجود دارد. شاید بد نباشد تا در بدایت امر، مختصری از او بگویید.**

مهدی پور: شیرکو بیکس در سال ۱۹۴۰ میلادی(۱۳۱۹ خورشیدی) یعنی در بحبوحه جنگ جهانی دوم در سلیمانیه عراق متولد شد، شیرکو فرزند فائق بیکس از شاعران ملی و نامدار کرد بود، که اشعارش تاثیر زیادی بر شعر و ادبیات کردی بود. شعر شیرکو در دوره هایی که پیشمرگ های کورد با حکومت بعث عراق درگیر بودند، منبع الهام بود و خود شیرکو هم مدت زیادی را در آن هنگام با پیشمرگ ها در کوهستان ها سپری کرد.اگر بخواهیم بطور مختصر سخنی در خور درباره شیرکو بگوییم، باید وی را یک روشنگر در جامعه ای عامی بدانیم؛ روشنگری در جامعه عامی کردستان عراق با تمامی کشمکش ها و درگیری های فراوان فکری و عقیدتی. او به عنوان یک روشنگر و نه تنها روشنفکر نقش بسیار اساسی در معادلات فرهنگی و علی الخصوص ادبیات کرد ایفا نموده و بسیاری را تحت تاثیر خودش قرار داده است. این تاثیرگذاری آنجایی برجسته می شودکه می بینیم طیف وسیعی از اقشار کرد، دفاتر شعری وی را دنبال می کنند و دامنه شمول وی از عامی ترین اشخاص در جامعه ی کردستان تا سطح روشنفکر و از ایران تا عراق و سوریه گسترده بوده به طوریکه دفاتر وی بارها در میان افراد دست به دست و تکثیر شده است. شیرکو با آنکه متولد سلیمانیه عراق بود اما چندان با فضای ایران بیگانه نبود. وی بارها به ایران سفر نموده و با احمد شاملو و دیگران شاعران دیدار و گفتگو کرده است. اما اگر بخواهیم نزدیکترین شخص به لحاظ فکری به او را نام ببریم، باید به احمد شاملو اشاره کرد. گلشن مهر: چنانکه گفتید ما با شاعری طرفیم که سوای از ظرایف ادبی، در جامعه ای که درگیر منازعات فکری و عقیدتی بوده، نقشی روشنگرانه داشته است. در همین راستا و از خلال گفته های شما نکته ای نظر من را به خود جلب نمود و آن تاکیدی بود بر نقش « روشنگرانه» و نه « روشنفکرانه» شیرکو. می خواستم تا این تمایز را ایضاح فرموده و مرادتان از نقش روشنگرانه و نه روشنفکرانه را بیان نمایید. مهدی پور: باید بگویم روشنگر، روشنفکریست که آلترناتیوهایی را به جامعه ارائه می دهد تا جایگزین مولفه های قدیم و پیشینی شود. روشنفکر سویه های انتقادی دارد اما لزوما آلترناتیوی ارائه نداده و جهانبینی جدیدی عرضه نمی کند. شیرکو اما چنین نبود. وی حداقل در دگرگونی مفاهیم ذهنی بسیار تاثیر داشت و بطور مثال در نوع نگاه مردم کردستان عراق به زن بسیار موثر بوده است. دیدگاهی که شیرکو عرضه نمود، بسیار متفاوت و متمایز از نگاهی بود که در جوامع خاورمیانه ای با آن مواجهیم. نگرش وی در تقابل آشکار با نگرشی قرار دارد که بطور سنتی زن را جنس دوم درنظر می گیرد. او نگرش جالب توجهی به زن دارد و زن را حتی و رای مرد به حساب آورده و زن را منبع احساس، تخیل، زندگی و عشق معرفی می نماید. این نگرش در تمامی اشعار شیرکوه ساری و جاری بوده به نحوی که بیان می دارد زن نبایستی خویش را در جایگاه مرد قرار دهد زیرا مرد این جامعه درگیر و دچار سنت و مناسبات عرفی است. او در شعری می گوید: « من هرچه خواستم تا در این جامعه زن و مرد را بطور مساوی مقابل آینه قرار دهم، نشد. همیشه مذهب و سنت با سجاده ای زیر بغل می آمد و میان مرد و زن می نشست با سبیل های آخته». این نگاه بسیار تاثیرگذار بود و انگاره جنس دوم بودن زن را در هم می شکست. درباره مفهوم وطن نیز اشارات جالب توجهی دارد. او در عین اینکه ازکردستان و جامعه کرد با همه آلام و فراز و نشیب هایش می گوید و بلندگوی رسای تاریخ آوارگی آنها بوده اما از منظری انسانی و جهانی به موضوع می نگرد، یعنی زمانی از آزادی برای خلق کورد می گوید درگیر تفکرات ناسیونالیستی نمی شود. شیرکو در شعرهایش با شاعران زبان های دیگر(چرا که وطن شاعر زبان اوست) ارتباط برقرار کرده و آنها را احضار می کند؛ از زبان ایشان حرف زده و برایشان شعر می سراید. باید گفت که او خواهان جهانی بهتر برای همه انسانها و نه لزوما کردها بود اما در اصل باور داشت که رهایی خلق ها و اقوام نخستین گام برای برپایی جهانی بر ایدو بدون خشونت و سراسر صلح آمیز خواهد بود. اگر مردمی دربند باشند مطمئنا ما نخواهیم توانست شعار جهانی وارسته سردهیم. شیرکوه در برابر استفاده های ابزاری از مفاهیم موضعی نقادانه داشته و آن را مورد نکوهش قرار می دهد. از جمله در برابر سو استفاده قدرتمندان **از آزادی**. او شعر بلندی با این مضمون دارد که باعنوان « آزادی این واژه بی آبرو»، که در آن در مقابل سوء استفاده هایی که از مفهوم آزادی شده است و اینکه چطور ملعبه دست سیاست بازان و گروههای سیاسی قرار گرفته است، حرف می زند. در واقع تلاش وی بر این بود تا با روشنگری هایی از این دست، نشان دهد که شعارهای سیاست بازان ربطی به آزادی ندارد و این مفهوم در وهله اول ازخود انسان و درون خانواده آغاز می شود. تا زمانیکه آزادی در میان جمع خانواده ما که ابتدایی ترین گروه زیستی ست برقرا نباشد، وقتی خود ما یک دیکتاتوری در خانه و به تبع آن در فرهنگ برقرار می کنیم و به چشم حقارت به زن می نگریم، هرگز قادر نیستیم تا به آزادی و آزادی خواهی برسیم.

*** گلشن مهر: شما در بخشی از سخن خویش اشاره ای به ارتباط میان شیرکو و شاملو داشتید. محمد مهدی پور به عنوان مترجم آثار شیرکو و آشنا به شعر شاملو، آیا انگاره های مشترکی میان اشعار این دو تن می بینید؟ آیا می توان از تاثیرگذاری متقابل میان شاملو و شیرکوه سخن به میان آورد؟**

مهدی پور: مسلما وقتی دو نفر با یکدیگر در ارتباط باشند این تاثیرگذاری ها صورت می پذیرد اما مساله آنچنان واضح و به شکلی نیست که براحتی قابل تشخیص باشد. انسانهای بزرگ تاثیر می پذیرند ولی این تاثیر را درونی کرده و در تولیدات خود به کار می گیرند ، اما باید بگویم که چند شعر از شیرکو که توسط یکی از مترجمان برگردانده شده بود، در اختیار شاملو قرار گرفت و او آنها را بازسرایی نموده که نوار صوتی آن نیز موجود است. اما شایسته تر می دانم تا به جای تاثیرپذیری، از « مولفه های مشترک» استفاده نمایم. از جمله مهمترین مولفه های مشترک، دغدغه مند بودن و در بطن جامعه بودن آنهاست. احمد شاملو فردی ست که وقتی ما کارهای جدی او از دهه سی به اینطرف و از هوای تازه به این سو را دنبال می کنیم، در می یابیم که وی صرفا یک شاعر شخصی شده نیست. او شاعری نبود که مدام مشکلات هستی شناسیک خودش را دنبال کند بلکه او زبان گویای تاریخی برای ملت ایران در فراز و نشیب های تاریخ بود. بر پایه همین رویکرد، یعنی حتی اگر یک قرن بگذرد ما می توانیم بر پایه ی شعر شاملو از وضعیت جامعه ی آن زمان آگاهی پیدا می کند، مثلا در شعر نازلی در مقابل اعدام ها موضع می گیرد، یا در شعری که می گوید: «دهانت را می بویند مبادا گفته باشی دوستت دارم»، فضای اختناق را به چالش می کشد. همین رویکرد در شیرکو نیز وجود دارد و همان پیوند عمیق میان شعر، سیاست و تاریخ به عنوان مولفه شعر اجتماعی ـ شعری که خاستگاه آن اجتماع است و نه لزوما انتزاعات شخص شاعر ـ به وضوح قابل رویت می باشد. شاملو نیز همچون شیرکوه، ارج و قرب فراوانی برای زن قائل بوده و این ارج گذاری در قالب وجود شخصی چون آیدا متبلور می گردد. یعنی وقتی وی برای آیدا شعر می گوید، به نحوی آن را برای تمامی زن های جهان می سراید و گویی آیدا یک نشانه است.. جایگاه شاملو و شیرکو در شعر و تاثیری که بر جامعه ی خود داشته اند و همچنین رسوخ در توده ها و ماندگار بودن اشعارشان نیز وجه مشترک دیگری میان شان است(حالا چرا است؟ چون شاعر فعل گذشته نمی پذیرد، گویی همیشه زنده است) این ها و مولفه های بسیار دیگری هم که شیرکو را به شاملو و شاملو را به شیرکو نزدیک می کند، و بر پایه همین مولفه های مشترک، تصویر جهانی مشترک از آنها ایجاد می شود.

*** گلشن مهر: یکی از بزرگترین مشکلات ترجمه شیرکو، همچون غالب ترجمه های شعر، شهید شدن برخی ظرایف در فرآیند برگردان است و همین موضوع باعث می شود که وجهی ازآن ظرایف ازکردی به فارسی انتقال نیابد. اما سوای از این، شما از « بازسرایی» شعر شیرکو توسط شاملو گفتید. حال پرسش اینجاست که در وهله نخست چه نظری درباره بازسرایی دارید؟ و دوم اینکه بازسرایی شاملو را چگونه می بینید؟**

مهدی پور: در مقوله بازسرایی به طور کلی باید بگویم که متاسفانه در برخی از بازسرایی ها، فرد بدون درکی از لحن، وضعیت آوایی زبان، همنشینی کلمات و بسیاری چیزهای دیگر که در بازسرایی بایستی به جد لحاظ شود، سعی دارد تا با بزک کردن کلمات به لحاظ آوایی و ریتمی، آن را در فارسی بیاورد.نمی گویم که بازسرایی فی نفسه چیز بدی است اما برای کسی که زبان مبدا را بدرستی نمی شناسد، چندان کار جالبی نیست اما چون شعر شیرکو، شعری محتوامند است ما با بازی های فرمی و زبانی کمتری مواجهیم و به همین خاطر در ترجمه شعر او کمتر صدمه می بیند. من با اینکه زبان مادری ام کردی بوده و بخوبی آن را می شناسم، باز سعی نمودم تا تمامی فایل های صوتی مربوطه را تهیه کنم و با دقت در آنها و تا جای ممکن، حالات روحی شیرکوه را درک کنم چرا که وی نوسانات لحنی دارد. به طور مثال او در اشعار حماسی وسیاسی خود، لحنی پیوسته و آرکاییک و فراز و فرودهایی در صدا دارد اما هنگام خواندن شعری عاشقانه، به صدایی صاف و یک دست و لحنی تغزلی بر می خوریم. همانطور که وقتی از زبان یک کودک شعر می گوید، کاملا در جهان کودکانه غرق می شود. دیگر آن که بازسرایی ها در بیشتر مواقع توسط خود شاعر که مترجم هم هست صورت می پذیرد و سعی بر این است که ترجمه را در زبان مقصد به شعر تبدیل کند. باید با دقت و وسواس زیادی داشت که این بازسرایی به منزله تغییر در شعر نباشد. هر چند که من اعتقاد دارم شعر کردی نیاز چندانی به بازسرایی ندارد بویژه که زبانهای کردی و فارسی ریشه مشترکی دارند کَه ترجمه این اشعار را سهل الوصول تر می کند. درباره بازسرایی های شاملو هم به نظر می رسد که کارهای بدی از آب درنیامده است. تعداد کارهایی که شاملو از شیرکوه بازسرایی کرده زیاد نیست که همانها حکایت از تعلق خاطر شاملو به شیرکو دارد زیرا شاملو به بازسرایی اشعاری مبادرت می ورزید که آنها را دوست می داشت.

*** گلشن مهر: یکی دیگر از نکات قابل توجه در بررسی انگاره ها و لایه های شعر شیرکو بیکس این است که وی در عین تعلق خاطر به فرهنگ و زیست قومی، شکلی از جهان وطن گرایی(cosmopolitanism) را نیز در خود نهفته دارد. اما در این مقام ما می خواهیم بدانیم که چه انگاره هایی از فرهنگ کردی در آثار وی انعکاس یافته است؟**

مهدی پور: درباره آن مفاهیم قومی و جغرافیای زیستی باید بگوییم که درشعر شیرکو ما با انبوهی از این مفاهیم و انگاره ها مواجهیم. از اسم کوه ها و شهرها گرفته تا تعلق خاطری که کردها به کوچ و تفنگ و دشت دارند. اصلا باید بگوییم که شیرکو شاعر کوچ است. در واقع این انگاره ها متفاوت از انگاره های ایرانی نبوده و نیست چرا که اصلا نمی توان فرهنگ کردی را متمایز از فرهنگ ایرانی در نظر گرفت. قوم کرد در دل ایران بزرگ فرهنگی جا دارد و ما قادر نیستیم تمایزی میان اینها قائل شده و از فرهنگ کردی جدا از فرهنگ ایران مادر ـ و نه لزوماه کشور ایران ـ سخن بگوییم. کردهای ترکیه، سوریه و عراق همواره آن تعلق خاطر را به سرزمین مادری و فرهنگش داشته اند(البته نه در بین همه ی آن ها) و این واقعیتی انکارناپذیر است که درمیان سخنان روشنفکران کرد مثل فرهاد پیربال نیز کاملا نمایان است. چنانکه وی در مصاحبه ای تلویزیونی اعلام می کند « افتخار می کنم که یک اربیلی ایرانی هستم». اربیل در کردستان عراق است اما در دل فرهنگ بزرگ ایرانی جا دارد هر چند که در طی سالیان و کشمکش های سیاسی اینها از سرزمین مادر جدا شده اند اما همچنان در برابر فشاری که ازجانب فرهنگ عربی و سیاستهای دولت ترکیه به آن وارد می شود، مقاومت کرده و هرگونه تلاشی برای امتزاج این شاخه از فرهنگ ایرانی را در فرهنگ عربی و ترکی عقیم گذاشته است. در ترکیه متاسفانه در یک دوره ای که کشور ترکیه از خاکستر امپراتوری عثمانی متولد شده بود و ترکان جوان تلاش هایی صورت دادند که بسیار مضحک و خنده دار بود مثلا کردها را ترک کوهی دانسته و با یک جعل مضحک دلیل اختلاف زبانی ترکی و کوردی را دور ماندن این گروه ها از شهرها معرفی نموده و آن را عامل و واسطه دگرگونی زبان ایشان دانسته اند. در ترکیه از زمان آتاتورک، ستم ها و محدودیتهای فراوانی بر کردها اعمال گردید. به نحوی که برای سخن گفتن به زبان کردی در مکان های عمومی جریمه نقدی در نظر گرفته شد و حتی با برگزاری جشن عید نوروز مخالفت گردید. در سوریه نیز کردها از طرف فرهنگ عربی مورد هجمه قرار گرفته و حتی مورد انکار هویتی واقع می شدند یعنی اعراب معتقد بودند که تا ایشان خود را عرب ندانند از حق شناسنامه دار شدن بی بهره خواهند ماند و فکر کنم تا همین اواخر و زمانی که بشار اسد فرمان صدور شناسنامه برای ایشان را صادر کرد. پا برجا بود. کردها درهر جای منطقه، مولفه های اصیل و مشترکی دارند، یعنی یک مولفه هایی که هر جغرافیای فرهنگی به آن ها تحمیل کرده و شعر شیرکو مملو از مولفه های بومی است: از آواهای بومی، از اسامی بومی، از مکان های بومی که آنها را در شعرش احضار نموده و با آنها سخن می گوید. باید اضافه کنم که طبیعت جایگاه ویژه ای در شعر شیرکوه دارد. شیرکوه با شاعران و افراد نقاط دیگر نیز ارتباطی وثیق داشت و نسبت به اطراف و اکناف خویش آگاه بود. او هرگز وارد حاشیه ها نشد و در برابر زیاده خواهی ها ایستادگی نمود. او کار خودش را کرده و از ورود به باندبازهای سیاسی متعارف اجتناب می نمود. مثلا وی یک شعری دارد که آن را به اسماعیل بیشیکچی تقدیم کرده است. بیشیکچی یک وکیل ترک بود که برای احقاق حقوق کردها در ترکیه تلاش و کوشش بسیار کرد. همچنین شیرکو شعری برای یکی از شخصیتهای سازمان آزادی بخش فلسطین دارد که همه اینها حکایت ازدرک عمیق وی از شرایط پیرامونی و دغدغه ای فراتر دارد، او رویکردی جهان وطنی دارد، البته این رویکرد جهانی نیز مانع از آن نبود نسبت به جامعه کردی خود بی تفاوت بماند. به همین خاطر در اولین سنگر برای دفاع از آزادی و عدالت مردم کرد موضع گرفت. شیرکو بیش از هر فرد دیگری نسبت به تاریخ پرفراز و نشیب کردها آشنایی داشت که همین مساله از نظر من اهمیت شایانی دارد، یعنی شعر شیرکو آینه ی تمام نمای درد و رنج کرد است، سرشار از عشق، موسیقی، وطن و برابری، و البته گاهی سرشار از خشم که تفنگ به دوش گرفته به کوهستان می زند.

*** گلشن مهر: بنابراین شیرکو بیکس در عین داشتن تعلقات قومی، نسبت به کرامت انسان و آزادی آدمی سوای از قومیت و جنسیت و نژاد و مذهب، حساس بود. از همین رو، شاید سخن آن عده که وی را شاعری آزادیخواه که دغدغه آزادی و برابری اجتماعی داشت، پر بی راه نباشد. بدینسان رویکرد وی به هنر و شعر نیز لزوما رویکردی معطوف به زیبایی شناسی و امر زیبا نبود بلکه هنر و شعر را به مثابه گذرگاهی برای بیان اعتراضات فرهنگی، قومی وانسانی خویش می دانست. گویا بهمین خاطر هم نفوذ و جایگاه و نفوذ ویژه ای میان اقشار مختلف اجتماعی کردها داشته است. این نفوذ درکدام نواحی بیشتر به چشم می خورد؟**

مهدی پور: مطمئنا اصلی ترین فاکتور در شعر شیرکو همین بازتولید و بازنمایی مفاهیم اجتماعی است، باید گفت که شیرکو درمیان تمامی کردها محبوب است اما چون همیشه کردستان ایران از نظر ایده پردازی و تئوری پردازی برای جامعه کردی پیشرو بود، درصد خوانندگان وی در این ناحیه بیشتر می باشد. شاید مردم کردستان عراق به واسطه رفاه نسبی که در چند سال اخیر از سهم نفت خود بدست آورده اند، از دغدغه های فرهنگی که برای شیرکو مهم بود، فاصله گرفته اند ولی آن دغدغه ها در کردستان ایران و کردستان ترکیه هنوز پابرجاست، البته ممکن است مخالفتهای گروههای تندرو در آنجا نیز در این قضیه بی تاثیر نبوده باشد. جالب است بگوییم زمانیکه وی برای درمان به سوئد رفته بود، برخی از همین گروههای تندرو اعلام کرده بودند که شیرکو به محض بازگشت ترور خواهد شد. که با تمسخر وی مواجه شدند. اما در کل باید بگوییم که شیرکوه آنچنان با مردم امتزاج یافته بود که وصیت می کند تا او را در وسط پارک آزادی سلیمانیه به خاک بسپارند. می گوید « نمی خواهم مرا در هیچ کدام از گورستان ها تپه های شهر به خاک بسپارید، چون از جاهای شلوغ خوشم نمیاد، می خواهم پس از مرگم همدم همشهریانم باشم و مزار من جایی برای قرارهای عاشقانه باشد» خب این اتفاق هم افتاد و با تمام مخالفتها ، در نهایت آرامگاه وی در همان پارک قرار گرفت.

*** گلشن مهر: به عنوان پرسش آخر، اگر قرار باشد تا شعر شیرکو را در میان انواع مکاتب یا نحله ها دسته بندی نمود. آن را در کدام دسته قرار می دهید؟ شما پیش تر از رئالیسم سوسیالیستی سخن گفته بودید. آیا همچنان بر همان نظر هستید؟ اصولا بر پایه کدامین شاخصه ها به چنین تقسیم بندی قائلید؟**

مهدی پور: صورت بندی کلا چیز جالبی نیست ولی من از رئالیسم سوسیالیستی سخن گفته ام و همچنان نیز بر همان نظر هستم. درست است که سویه های شعر شیرکو فراوان بوده و از اشعاری اجتماعی تا عاشقانه و رمانتیک اجتماعی گسترده است اما من اگر بخواهیم سویه ای را پررنگ تر جلوه بدهم و آن را بر کل تسری بدهم به نظرم همان رئالیسم سوسیالیستی است. هرچند که نباید به آن معنایی از این مفهوم که ازدل آثار ادبی تولید شده در شوروی سابق برآمده، اکتفا کرد. درهمان جلسه سخنرانی برخی از دوستان آمدند تا مفاهیم را بر پایه ی بعضی نمایندگان آن مکتب تشریح کنند که به نظر من این چندان درست نیست. ما باید برپایه مفاهیم مثال هایمان را تشریح کنیم و نه بالعکس. تاکید من بر پیوند میان تاریخ، سیاست و شعر در اوست. اصرار وی به نگاهی تاریخی و رویکرد وی در تشریح دغدغه های اجتماعی اقشار فرودست جامعه که از یک فرد واکسی تا یک نویسنده تسری می یابد؛ آن نگاه کل گرایانه و مادر گونه که گاه شیرکو را به صدای خاموش کردستان تبدیل می کند، آن مردم گرایی که در تمام شعرهای او جاری ست....، ما را به یک رئالیسم اجتماعی، یک رئالیسم آزادی خواه و برابری طلب و رئالیستی که دغدغه اجتماع دارد و صرفا شخصی شده نیست، سوق می دهد. هر کسی که در جغرافیای تلخ خاورمیانه با همه تضادها و جنگ ها و تبعیض هایش نفس کشیده باشد، محال است که از کنار شعر شیرکو به سادگی گذرکند و همذات پنداری با شعر او در وی ایجاد نشود. من بر پایه همین مولفه ها باور دارم که اگر قرار باشد شعر وی را صورت بندی کنیم، ناچاریم تا آن را ذیل شعری اجتماعی با سویه های سوسیالیستی تعریف نماییم هرچند که بازیهای زبانی و وجوه رمانتیک زیادی دارد اما به هر حال وجهه ی اجتماعی آن پر رنگ تر است.

تازه های کتاب

نیلوفر امانتچی
متولد ۱۳۶۴
مجموعه شعر سپید
چاپ ۱۳۹۳
انتشارات نصیرا

پیوند خورده از خاک دانه ام
از چه به رویش تاب می خورم نمی دانم
قطع نخاع بدی ست که ناتنی ام شد
دردی ست که رحم به پاشیدنی می کشد
بازگشته ام
به گل های وحشی
به ماهی خیالی
به ساعتی که خوابش ایستاده روی من
لیوانی که سرم کشید
گیج آغازین تلاطمی
بر دست های خط خطی ام

دوست
داشتن تو
مثل دراز کشیدن روی پله هاست
با فقدان ستاره
که باد به بادش داد
روی خودت ایستاده ای؟؟
از من بترس
من
کابوس مردی
به نام پدر
شده ام

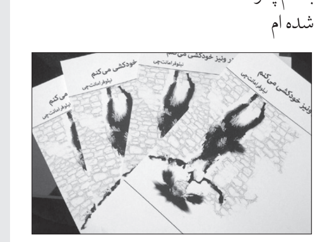

شعر

خسرو بنایی

نوسان کبود

آخ مادرا!
آن ظهر عجب ظهری بود
مستراح از کاسه فروریخت
ناهار سبزی قورمه بود و بعد زنگ در
گفتی نرو
و زنگ و زنگ وزنگ
وقتی ارتعاش آن روی پوست اناری ات می
نشست
به من نگاه می کردی
من رفتم
شب عمیقی بود
با سوزش و سایه و سیلی
هر که می دید
مرا حرمزاده آن ثانیه فرض می کرد و صورت
ام داغ می شد
انگار تمام برف آن سال درون ام آب شد
مغزام در پس سرم شناور بود
تا اردیبهشت به یک پنجره کوچک خیره شدم
سه ماه با یک لیوان هم چای و هم ادرار
انتقام ام را بعد ها از انگورهای گندیده گرفتم
درست روی نقطه گرانیگاه افسردگی اواخر
تابستان
اسهال شدم
و چقدرخوب
با انقلابی رهایی بخش
چهره های عبوس
از تقویم روده هام دفع شدند
آنوقت چهار تن از میان ما رفتند
هر کدام با یک خاطره ناتمام از دختران چشم
عسلی دهه شصت
من هم بی هوا عاشق مجری شبکه یک کانال
کودک شدم
کمی چاق و سفید رو
اما مذهبی در چشمان مرطوب اش بود که
امیدوارم می کرد
آنروزنشستم و مات به جوانه پسته در لیوان
کسی سراغ ام را نمی گرفت
کم کم حافظه ام را از دست دادم
فقط دیوار و لایه هایی از صدا و مرثیه جنگ
زده ها
نمی دانم
آن روزها
من پانزده ساله عاشق بودم
یا بیست و پنج ساله حرمزاده
آخ چقدر سیگار می چسبد ...

جلسه ادبی سوشیانس

شنبه‌ها
ساعت ۱۸ الی ۲۰:۳۰
مکان:
انبار جهاد ساختمان پزشکی گلستان طبقه آخر
کانون دوستداران کتاب

شعر جهان

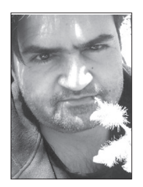

حسین مکی زاده
نویسنده و مترجم

پی یر پائولو پازولینی، در سال ۱۹۷۱ مجموعه اشعاری بیشتر با تم های غنایی و متافیزیکی به نام «گذر از انسان و سازماندهی» منتشر کرد که شامل اشعاری بود که از سال ۱۹۶۸ به بعد سروده بود. در این اشعار، بینش سیاسی، تجربه شعر غنایی و پشتوانه تاریخی مذهبی و عرفانی به پیچیدگی یگانه اما چندلایه ای رسیده اند. واژه «trasumanar» (گذر از انسان) واژه ایست که دانته آفرید و پازولینی در مصاحبه ای در توصیف این اشعار می گوید: «بی گمان روی دیگر عرفان، کنش و عمل است، پس نم دفتر آینده من «گذر از انسان و سازماندهی» خواهد بود... من یقین دارم که روی دیگر استعلای روحانی، کنشگری و سازماندهی است.»

واپسین رؤیاهای پیش از مرگ
هر شب ای دوستِ عزیزم
تا دیر وقت به کار مَشغول کارند نزدیکِ خانه ام
ماشین ها، نرده ها و اتاقک های نگهبانی
چیز خاصی نیست، همان پروژه های سازمانی
هرشَب که به خانه می روم ،دوست عزیزم
کمابیش هرشب،
روبروی ماشین های زردِ بی حرکت در نسیمِ
ملایم
جلوی خانه ام، بارها-بیشتر به تاریکی سحرگاه
دوست عزیزم، ترسیده ام از دیدنش
وقتی بی صدا در خیابان راه می روم
وقتی به خانه برمی گردم، بیشتر به تاریکی سحرگاه
سایه ای که انگاری راه می رود بی پا،
یا دمپایی بپا دارد،
چهره اش یکسره پوشیده
می گسترد خاکستری در امتدادِ پیاده رو
(یا در عرض خیابان، بی صدا کنار نرده های حفاظِ
محوطه کارگاه)
دوستِ عزیز، برای تو می نویسم تویی که بسیار
دوری،
این نه از آن داستان هاست که برای خواننده ای
گم شده در رویاهاش بتوان خواند
این ناچیزهای زندگی ست که فقط دوستان باورش
دارند،
چهره تا چشم ها پوشانده، سایه پیش می آید
بیصدا رد می شود از کنارم، می رود تا ته خیابان
تنپوش اشباح نپوشیده
تنها پیچیده در جامه پشمین،
نگهبانِ بیچاره ماشین ها، کورمال کورمال می پلکد
در سکوت.
اینجا مقدمه به پایان می رسد.
... ...
آی چشم هایم
چه بزرگ است این تصویر، زیرا که از آخرین
تصویرهای
پیش از مرگ من است-
تنها منم که صحرای مالیخولیا را می بینم
پوشیده از اشکالِ زار و نزار، چنان که دانیم
وآنگاه این منم تنها که نور را می بینم
که چیزی بیش از آبیِ شبی رنگ باخته نیست
گویی به کورسوی اُمیدی از خویش می سوزد،
به دل من ماند، که پرسه گردِ سرگردانی ام
در آمدن ها و رفتن ها تا خواب را بتارانم
ترحم است آن که مرا تنپوش پشمی کهنه
خاکستری پوشانده تا زیر چشم هایم
مثل موتورسوارها یا اسکی بازان مفلوک
من شبیه اشباح نیستم که خود یک شبح ام
سکوتِ رازآمیز ظاهر من
نیز در درونم هست
تنها پاهایم زنده اند، بالا و پایین ام می برند،
و چشم هایم که آخرین تصویرهای زندگی را
می بینند.
همان ها که تا آن روز محتوم با خود می برم
خانواده می دانند اینجایم
جهدی می کنم و تکه نانی سرِ سفره می آورم
ترحم شان همراهم است،
همپای من در خیابان می آید و می رود. آه،
چشم هایم که تصویرِ گسترده خیابانِ کوچک را
می بینند
آنجا که باد می وزد گاهی شب ها
و شب های دیگر تنها سکوت است و بس
... ...
آه چشم هایم
شاید از آن رو که پیران را تکلیفِ جوانان می سپرند
تمام شب به نگهبانی بیدار بودن،
شما که تمام عمر ناتوان از دیدن بودید
اکنون به سرشکستگیِ شهودآمیز... توانِ دیدنتان
هست_
چه بسیار شب ها که پاسبانی را تجربه کرده ام،
بی که بخواهم، جهد کرده ام که هیچ چیز نبینم،
چون شبح رفته ام آمده ام،
به ظاهر انکار کرده ام آنگونه که تمام نیکخویی و
تفاهم
مرا از درون انکار کرد، البته بجز ترحم،
ترحمی که مرا پوشاند و به آرایه پاسبانی آراست
با وجدان خود و خانواده ام.
پس انکارکنان خویش به پرسه زدن خو کردم.
آی چشم هایم که همزمان آن شب ها را می
نگریستید...
کمی پیش از عیدِ پاک و کمی پس از آن،
سردیِ دیرپای شب ها که با لباسِ بلندِ آویزان تا
بر پاهام
تاب می آوردم
و با کلاهِ چهره پوش خاکستری
بی جان می گذشتم از برابر مشتی زنده هنوز
که در اتومبیل هایشان به خانه برمی گشتند،
برنمی گشتم و بی هدف در امتدادِ پیاده رو می
رفتم،
یا کنارِ نرده های اطراف شیبی که به محوطه
کارگاهی می رفت،
سپس بازمی گشتم، باز تنها،
جهدکنان که نباشم
(و اگر ترحم اربابان و خانواده نبود موفق می شدم)
و در آن دم
نیمِ دیگرِ آسمان را می دیدم.

از دفتر «گذر از انسان و سازماندهی». ۱۹۷۱